

میرزا حسن  
رشدیه

(۱۲۲۹-۱۳۲۳)

**پایه‌گذار مدارس نوین ایران**  
در تبریز به دنیا آمد. نخست درس طلبگی خواند و روحانی شد. سپس به بیروت رفت و در آنجا آموزگاری نوین را آموخت و روش‌های آموزش الفبا و دروس جدید مانند حساب، هندسه، تاریخ و جغرافیا را فراگرفت. نخست در ایروان و سپس در تبریز، تهران و مشهد مدارس تأسیس کرد و البته همواره با مخالفت‌هایی روبه‌رو شد.  
رشدیه از آزادی‌خواهان و طرفداران انقلاب مشروطه بود. بدایة‌التعلیم و کتاب درسی وطن‌دلی به زبان ترکی (برای کودکان اول دبستان) از آثار او به‌شمار می‌روند. رشدیه در سن ۹۲ سالگی در قم درگذشت.

# دکتر محمدحسین کسار

۱۳۰۰-۱۳۸۸

اسفندیار معتمدی

آن‌که به مدرسه‌ی ایران رفت: «چون من مدتی به مکتب رفته بودم، در کلاس اول ابتدایی، روز اول معلم مرا پای تخته برد (و این اول دفعه بود که من تخته و گچ می‌دیدم). گفت گچ را بردار و بنویس: «روز برای کار کردن است و

شادروان دکتر محمد خوانساری، دبیر، استاد، مؤلف و پژوهشگر تعلیم و تربیت و فلسفه، در اصفهان به دنیا آمد. پیش از ورود به مکتب، پدر خود را از دست داد و با مادر، خواهر و برادرش، دوران کودکی را به مسرت گذراند تا

شب برای خوابیدن...» من آن را به درستی نوشتم. سپس از من خواست یک صفحه از قرآن مجید بخوانم، که آن را هم به درستی خواندم. معلم نوشت، او باید به کلاس دوم برود. مستقیم به کلاس دوم رفتم. وسط سال که امتحان به عمل آوردند، مرا به کلاس سوم بردند. بنابراین، کلاس اول را اصلاً ندیدم و کلاس‌های دوم و سوم را هم در یک سال طی کردم. سپس سال به سال به تحصیل ادامه دادم و در سال ۱۳۱۴ تصدیق ششم ابتدایی گرفتم. سپس در دبیرستان سعدی، سه سال اول دبیرستان را گذراندم... به سبب مضیق‌های مالی نتوانستم دوره‌ی دوم متوسطه را ادامه دهم... به ناچار به دانش‌سرای مقدماتی رفتم که مقرری ماهیانه‌ای به دانش‌آموزان می‌دادند.

استاد دکتر محمد خوانساری، در دانش‌سرای مقدماتی اصفهان، نزد بزرگان تعلیم و تربیت اصفهان، شادروان **بدرالدین کتابی، عباس نحوی، ملکوتی و علی اکبر کازرونی**، درس عشق و محبت و معلمی خواند و با اصول یاد دادن و یاد گرفتن آشنا شد. چون شاگرد دوم دانش‌سرا شده بود، به دانش‌سرای عالی تهران اعزام شد تا یک سال شاگردی استادان **جلال‌الدین همایی، دکتر رضازاده مشفق و محمدتقی مدرس رضوی** کند و از سرچشمه‌های علم و ادب و فرهنگ ایران جرحه‌هایی بنوشد، دیپلم ششم دبیرستان بگیرد و در رشته‌ی «فلسفه و علوم تربیتی» ثبت‌نام کند. در همان نخستین سال تحصیلی دانشگاهی بود که مورد توجه استادان و الا مقام **ملک‌الشعرا بهار، عباس اقبال آشتیانی، دکتر محمد معین و دکتر علی اکبر سیاسی** قرار گرفت و از آن‌ها و دیگر معلمان کشور چون **دکتر محمد باقر هوشیار، دکتر یحیی مهدوی، دکتر غلامحسین صدیقی و شیخ محمد حسین فاضل توتی**، «شیوه‌ی تدریس، وجدان شغلی، اخلاص در کار، مکارم اخلاقی، رعایت انصاف در نمره دادن، ممانعت طبع و...» را آموخت و در سال ۱۳۲۳ لیسانس رشته‌ی فلسفه و علوم تربیتی را با احراز رتبه‌ی اول حائز شد و پایان‌نامه‌ی خود را به راهنمایی شادروان **دکتر یحیی مهدوی** گذراند. «و چون [این پایان‌نامه] در شورای استادان فلسفه، بهترین رساله تشخیص داده شد، استاد یک ماه از حقوق خود را به عنوان جایزه‌ی نقدی به بنده اعطا کردند».

آقای خوانساری در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، تمام درس‌های دوره‌ی دکترای ادبیات را با موفقیت گذرانید، اما از موضوع رساله‌ی خود که «توصیف کیفیات نفسانی در مثنوی مولانا» به راهنمایی استاد **فروزانفر** بود، دفاع نکرد و عنوان دکترای ادبیات را کسب نکرد؛ گرچه در حضور استادانی چون **دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر صادق کیا، دکتر حسین خطیبی و ابراهیم پور داود**، در بالاترین حد با رموز زبان فارسی آشنا شد و تبحر یافت. ولی سرانجام در ۱۳۳۷ به فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس دکترای فلسفه و منطق را با عالی‌ترین درجه دریافت کرد.

دکتر محمد خوانساری هیچ‌گاه فارغ‌التحصیل نشد و تا پایان حیات، عشق به آموختن را در خود حفظ کرد و با همان شور و نشاطی که مرحوم **امیرزا عباس نحوی** در کلاس اول دبیرستان سعدی اصفهان در او به وجود آورده و وی را برانگیخته بود، در کسب علم و کمال کوشید. استاد دکتر خوانساری هم‌زمان با خودسازی و بالا رفتن

و رسیدن به مرزهای اخلاق، منطق، ادب و فلسفه، به آموزش و پرورش فرزندان کشور مشغول شد. در سال ۱۳۲۳ در شهرری به استخدام فرهنگ کشور درآمد و در دبیرستان عظیمیه به تدریس پرداخت. سه سال بعد، متصدی آزمایشگاه روان‌شناسی در دانشگاه تهران شد و تدریس روان‌شناسی تربیتی را برعهده گرفت و عنوان جوان‌ترین مدرس دانشگاه را در ۲۶ سالگی کسب کرد.

«شور جوانی و احساس وظیفه‌ی شغلی موجب شد تدریس خود را به جد بگیرم و برای درس خود به منابعی که در دسترس بود، مراجعه کنم. خوش‌بختانه کتاب‌های روان‌شناسی به زبان فرانسه هم در کتابخانه‌ی دانشکده زیاد بود. عده‌ای از دانشجویان دانشکده‌ی معقول و منقول [دانشکده‌ی الهیات کنونی] هم که می‌خواستند دبیر بشوند، در آن کلاس شرکت می‌کردند که اکنون خود از استادان میرز و مایه‌ی مباحث هستند؛ آقایان **مهدی محقق، عبدالمحمد آیتی، علی موسوی بهبهانی، سید جعفر سجادی** و دیگران».

استاد دکتر خوانساری از ۱۳۱۷ که به دانش‌سرای مقدماتی اصفهان رفت تا ۱۳۶۱ که بازنشسته شد، شب و روز در اندیشه و کار یاد گرفتن و یاد دادن بود و از آن پس تا پایان حیات پربار خود، با عشق و امید به کار ادامه داد. وی از شروع کار فرهنگستان سوم، به عضویت فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و از اعضای پرکار آن شد و تا آخرین روزهای زندگی، با همه‌ی وجود خدمت کرد.

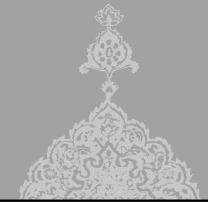
### اظهار نظر شاگردان این پژوهگروار!

استاد دکتر مهدی محقق در بزرگداشت این استاد فرزانه در ۳۱ خرداد ۱۳۸۴ چنین گفت و نوشت: «خوانساری، استادی توانا و نویسنده‌ی زبردست است که جامعه‌ی علمی ما او را نمونه و اسوه‌ی استادی می‌داند که جامع میان علم و عمل و واجد حسن گفتار و کردار است. او از شجاعت فضل‌فروشی و علم‌نمایی مبرا است و با آرامی و سکوت به کارهای علمی خود می‌پردازد و هر چند گاه، به نگاه اثری علمی به دنیای علم تقدیم می‌دارد.»

**منوچهر صانعی** گفته است: «پیش از آن که معلم منطق باشد، معلم اخلاق بود و یکی از امتیازات بزرگ ایشان فضایل اخلاقی بود. دانشجویان ایشان از جمله بنده، پیش از آن که منطق فراگیریم، درایت و اخلاق فراگیرتیم.»

### رستگاری جاوید

به زیر پرده‌ی این آسمان زنگاری بسی کم است نظیری برای خوانساری بدیع‌تر ز معانی او معانی نیست که صرف شد همه عمرش نه نحو همیاری چه روشن است مقالات با مقولاتش ز منطقش نبود جز بیان حق جاری عماد عمر عزیزش تعلم و تعلیم و رستگاری جاوید او کم آزاری شد از فروتنی این گونه‌اش مقام رفیع چه شاخه‌ای که خمیده است از گران‌باری «زبان خموش و لیکن دهان پر از عربی است» که جمع منکسرش سالم است پنداری



### عصمت ستارزاده

(۱۳۷۲-۱۲۹۰)

محقق، مترجم

در تبریز به دنیا آمد. تحصیلات مدرسه‌ای خود را در همین شهر گذراند. در رشته‌ی «زبان و ادبیات فارسی» از دانشگاه تهران دکترا گرفت. در شهرهای تبریز، اراک، اصفهان و تهران دبیری کرد. بانویی پژوهشگر و مؤلف بود. به سبب تسلط به زبان ترکی استانبولی، آثار متعددی را از این زبان به فارسی ترجمه کرد که از آن میان ترجمه‌ی «شرح سودی بر حافظ» بهترین کتاب سال ۱۳۵۰ شناخته شد. تفسیر سودی بر گلستان و شرح کبیر انقروی بر مثنوی، از دیگر آثار اوست.

۳. صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب، که به چاپ شانزدهم رسیده است (انتشارات ناهید).

۴. منطق برای دبیرستان‌ها که هم اکنون نیز متن درسی است.

۵. ترجمه‌ی ایساغوجی (تألیف فروریوس) و مقولات (تصنیف ارسطو)، چاپ مرکز نشر دانشگاهی. بیش از ۳۰ مقاله‌ی علمی و تحقیقی در موضوع‌های منطق، فلسفه، روان‌شناسی و ادبیات فارسی نیز دارد.

آقای رضا مستوفی در زندگی‌نامه و خدمات علمی استاد، از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، نوشته است:

«از جمله خصوصیات دکتر خوانساری این است که شب‌ها، همان اول شب، سر بر بستر می‌گذارد و از آن طرف، صبح بسیار بسیار زود، از خواب سر برمی‌دارد. اولین چراغی که صبح در «آپارتمان‌های سامان» روشن می‌شود، چراغ اتاق دکتر خوانساری است. حتی روزهای جمعه و تعطیل که معمولاً اشخاص به استراحت می‌پردازند، برای او یا دیگر روزها فرقی ندارد. کارهای علمی خود را معمولاً در همین ساعات انجام می‌دهد. مکرر از او شنیدم:


دلی که رامش جوید نیابد او دانش  
سری که بالش خواهد نیابد او افسر  
ز زود خفتن و از دیر خاستن هرگز  
نه ملک یابد مرد و نه بر ملوک ظفر

یکایک اثرش گنج شایگان باشد  
درستکار بود با وجود کم کاری  
شکایتش نه به بی‌زور و بی‌زری باشد  
و سخت بیزار از کارهای بازاری  
همیشه مهر به اتباع نوع می‌ورزد  
و غم‌زدایی او نیست غیر غم‌خواری  
شد آن که شیفته‌ی فضل یا فضایل او  
قبای اطلس او نیست از هنر عاری  
حریف حرف حق و دوست‌دار حق‌گویان  
و در کمال کمالش سرور او جاری  
طلاق داد طلاق سه گانه دنیا را  
برای آن که ز مادر کند پرستاری  
حلاوت سخنش چون عسل به خوانسارست  
خداش بیش دهد سروری و سالاری  
بهاء‌الدین خرمشاهی

### تألیفات استاد

۱. منطق صوری در دو جلد. کتاب درسی دانشگاهی که تاکنون حدود سی بار در انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده است.

۲. فرهنگ اصطلاحات منطقی از انتشارات «پژوهشگاه علوم انسانی» که بسیار به پژوهشگران فلسفه کمک می‌کند، زیرا مترجمان یونانی و سریانی، بسیاری از همان اصطلاحات را وارد زبان عربی کردند.



**یدالله سبحانی**  
(۱۳۸۴-۱۳۸۱)  
مؤسس، مربی جوانان،  
زمین‌شناس

در تهران متولد شد. در سال ۱۳۱۱ برای تحصیل به فرانسه اعزام شد و پس از گرفتن دکترای زمین‌شناسی به ایران بازگشت.  
مردی باتقوا و با دیانت بود و به گسترش اسلام در میان جوانان و دانشجویان علاقه‌ی بسیار داشت. از اقدامات مهم او تأسیس دانش‌سرای تعلیمات دینی، دبیرستان پسرانه‌ی کمال در نارمک و نیز دبیرستان دخترانه‌ی کوثر در تهران بود. سبحانی کتاب «خلقت انسان» را نیز نوشت که تحلیل علمی آفرینش انسان براساس آیات قرآن کریم است.